لزوم علم به صحت انتساب قرائت در کلام محقق اردبیلی

کسی که میخواهد قاعده اشتغال در حق او بیاید و برائت یقینی بیاید، باید علم پیدا بکند. دیروز من از ایشان عبارتی را نقل کردم. که دو تا گفتم. در مباحثه چون سریع گفته میشود سهو اللسان میشود. اگر وقتی عبارتی در ذهن من به یک صورت می آید، هر چه که بعداً متوجه آن بشوم خدمت شما عرض میکنم. گفتم شاید به دو تا نیاز است. مرحوم مقدس بالاتر گفته‌اند. من یادم هست که فرمودند عدل واحد کافی نیست. وقتی شما گفتید اشتغال و یقین پس با دو نفر چطور حاصل می شود؟ الآن برگشتم عبارت را میخوانم. خود شما ببینید که ایشان چه میگویند:

> بل يفهم من بعض كتب الأصول. ان تجويز قراءة ما ليس بمعلوم كونه قرآنا يقينا فسق ، بل كفر : فكل ما ليس بمعلوم انه يقينا قرآن ، منفي كونه قرآنا يقينا، على ما قالوا[1]

«ان تجويز قراءة ما ليس بمعلوم كونه قرآنا يقينا فسق»؛ این عبارت خیلی بزرگی است. چیزی که شما نمیدانید کلام خدا است را تجویز کنید و بگویید بخوانید، این فسق است. بعد بالاتر رفتند و فرمودند کفر است. قرآن باید قطعی باشد و کلام خدا باشد. اگر میخواهید بخوانید و بگویید قرآن است، باید قطعی باشد. اینجا فضای ظن و حجیت نیست. و لذا به عشره هم اشکال کردند. گفتند ما تنها به حرف شهید بگوییم عشره متواتر است؟! خب وقتی میگویید عشره متواتر است یعنی قرآن است. شما نمیتوانید اینها را بگویید. «**فكل ما ليس بمعلوم انه يقينا قرآن، منفي كونه قرآنا يقينا، على ما قالوا**»؛ عبارت اصول بود که ایشان نقل کردند. ایشان به مناسبت در حرف شهید و قرائات عشره این را آوردند. ولی در سبعه دیدید که فرمودند «کانه لا خلاف فیه». این را در سبعه قبول کردند.

اینجا بود که دیروز به اشتباه گفتم دو نفر میخواهد. بلکه ایشان بالاتر میفرمایند:

> ثم الظاهر منه وجوب العلم بما يقرأ قرآنا ، انه قرآن : فينبغي لمن يجزم انه يقرء قرآنا تحصيله من التواتر فلا بد من العلم. فعلى هذا فالظاهر ، عدم جواز الاكتفاء بالسماع من عدل واحد ، مع عدم حصول العلم بالقرائن ، مثل تكرره في الألسن بحيث يعلم[2]

«ثم الظاهر منه وجوب العلم بما يقرأ قرآنا انه قرآن»؛ من هم که دارم نمازم می‌خوانم و قاعده اشتغال می‌گویی باید قرآن بخوانی، باید قرآن یقینی بخوانی که می‌دانی این متواتر از شارع است. می‌گویند چون به این صورت است، «**فينبغي لمن يجزم انه يقرء قرآنا تحصيله من التواتر فلا بد من العلم**»؛ باید بدانی که متواتر است. اگر همینطور کسی گفت که قرآن است فایده‌ای ندارد. باید بدانم این قرآنی که من دارم می‌خوانم متواتر است. از آن هفت تایی هست که قبلاً فرمودند.

«فعلى هذا فالظاهر، عدم جواز الاكتفاء بالسماع من عدل واحد»؛ این قسمت یادم بود؛ ظاهرا ذهن من از عدل واحد مفهوم گیری کرده بود لذا گفتم دو نفر. اما ایشان بالاتر می‌برند. ایشان می‌گویند اگر از یک عادل بشنوی که قرائت حمزه این است و بعد هم آن را بخوانی، صحیح نیست. چون قاعده اشتغال هنوز باقی است. شما از یک نفر شنیده‌ای. باید مطمئن باشی که این متواتر الی الشارع است.«**مع عدم حصول العلم بالقرائن، مثل تكرره في الألسن بحيث يعلم**»؛ اگر گفتند قرائت سبعه این است شما نمی‌توانی اکتفاء کنی. باید صبر کنی به قدری عدل واحد بیایی –یک متخصص هم بگوید فایده‌ای ندارد کما اینکه شهید گفت و ایشان قبول نکردند- و در السنه به قدری تکرار شود که به علم برسی که قرائت حمزه این است. قرائت ابن کثیر این است.

شاگرد: در السنه چه چیزی تکرار شود؟

استاد: قرائت خاص متواتری که منسوب به یکی از قراء سبعه است. یعنی عدل واحد به شما گفت مثلاً قرائت ابن شبعه ای حفص این است، می‌گویند کافی نیست که به این عدل واحد اکتفاء کنی. نمی‌توانی در نمازآن را بخوانی. «مع عدم حصول العلم بالقرائن، مثل تكرره في الألسن بحيث يعلم»؛ یعنی به گفته یک نفر نمی‌توانی بگویی این قرائت حمزه است.

شاگرد: اینکه می‌فرمایند تکرر در السن پیدا کند یعنی مردم در نمازشان «مالک» بخوانند؟ یا مردم بگویند این قرائت حمزه است؟

استاد: ظاهراً دومی بحث ایشان است. اما به نظرم ایشان اولی را کافی بدانند. یعنی طوری باشد که ولو معنون به‌عنوان قرائت حمزه نیست، چون عرف خیلی از اینها را نمی‌دانند، متخصصین می‌دانند. مثلاً اگر شما به سودان که سه قرائت دارد بروی،... . فرمایش ایشان این است همین که از تکرر در السن بفهمیم که مردم با آن معامله کلام خدا می‌کنند؛ تکرره في الالسن، به‌نحوی‌که قاطع هستیم که این کلام خدا است. و الا ایشان که عاشق هفت نفر غیر معصوم که نیستند. هفت نفر هم نماینده تواتر کلام خدا هستند. روی حساب مبنای ایشان و عبارتی که دارند باید به مورد دومی که شما فرمودی حمل کنیم. تکرره في الالسن به اینکه این کلام خدا است. ولو آن هفت تا هم نباشد .

بنابراین این مطلب مهمی بود. ایشان فرمودند کسی که نماز می‌خواند باید نمازی بخواند که صرفاً عدل واحد به او نگفته باشد که یکی از قرائات متواتره است.

---

[1] مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان ج۲ ص۲۱۸

[2]همان

بازبینی #2
ایجاد شده 21 آوریل 2024 13:35:16 توسط ... .

به روزرسانی شده 28 مه 2024 15:39:49 توسط ... .